

### ۳. در رجعت: بازگشت دوباره برای مجازات

خداوند تعالی رجعت را مقدر فرموده تا روزهایی را که اولیایش در این دنیا با مظلومیت و تحت سلطه ی ظالمان با صبر سپری کرده اند جبران نماید.

علی علیه السلام در برابر قضایای سقیفه به امر پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد در حالیکه می توانست با اشاره ای همه را به هلاکت برساند. و این برای روزگار رجعت ماند که علی علیه السلام بازگردد و انتقام زهرا و محسنش علیهما السلام را شخصاً بگیرد.

#### قاتل محسن... در دست علی علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: من که علی بن ابی طالب بنده ی خدا و برادر پیامبر هستم (در عالم رجعت) باز می گردم، و دشمنانم و قاتلین فرزندم محسن علیه السلام را زنده می کنم و آنان را به عنوان قصاص به قتل می رسانم. (الزام النواصب)



# نفره

## ویژه نامه فاطمیه

اسفند ماه ۱۳۹۳



هیئت جواد الائمه (علیه السلام)

به همت پایگاه مقاومت بسیج شهید بهشتی

بهار امسال چقدر بارانی است...



### اول شهید ولایت

تا روز قیامت که دادگاه الهی به دست فاطمه علیها السلام سپرده می شود سه مقطع حساس برای قاتلین محسن علیه السلام مقدر شده است: ۱. عالم برزخ، ۲. عصر ظهور مهدی علیه السلام، ۳. عالم رجعت.

#### ۱. قاتل محسن (علیه السلام) در آتش برزخ:

امام صادق علیه السلام فرمود: این کوه «گمد» نام دارد و بر یکی از پرتگاه های جهنم قرار گرفته است که قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام و قاتل فاطمه و محسن علیهما السلام و قاتل حسن و حسین علیهما السلام آنجا هستند. (بحارالانوار: ج ۲۵ ص ۳۷۲)

#### ۲. در عصر ظهور حضرت مهدی (عج):

امام زمان علیه السلام به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله می آید و به اذن پروردگار آن دو را زنده می کند و برای غضب خلافت... و به خاطر قتل محسن علیه السلام و آزار پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را محاکمه می کند. (الزام النواصب)



### همه زل زده اند به تابوت مادر ...

### لحظه ها می گذشت و رد می شد ...

اما خاطره های تلخ شهادت، همچنان بر لحظه ی تکرار ایستاده بود و گلوی آل عبا را می فشرد و گلوی حسن را بیشتر...

و آن طرف؛ ملائک، مات صبر علی...

سکوت را سلمان شکست، حضورش مرحمی بود بر دل علی و فرزندانش....

افسوس ...!

که نبایست ناله ای سر داد تا خواب زندگان بی درد از وصیت زهرا دور مانند...

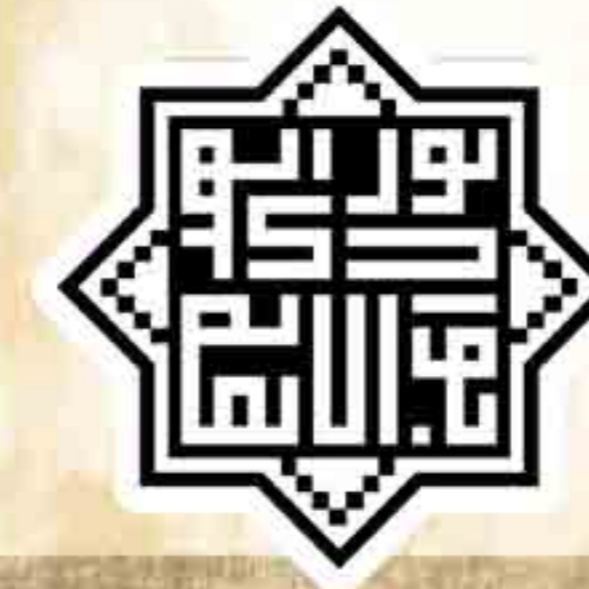
اما آستین به دهن نالیدن را چه سود؟

لحظه ها می گذشت و رد می شد، وقت وداع نزدیکتر میشد، پای علی هم سست تر می شد..



## فهرست مطالب:

- دل نوشته ..... (۱)
- قطره ای از دریا ..... (۳)
- داستان فدک ..... (۷)
- الگوئی نیکو ..... (۱۲)
- حرف دل مولا ..... (۱۷)
- تبار انحراف ..... (۲۲)
- نشانی از بی نشان ..... (۲۵)
- اول شهید ولایت ..... (۲۸)



هفت جوادالاسمه علیهم السلام

فهرست

## هیزم خصم زهر علیها السلام نزد ماست!

آیا هیزمهایی که پشت در و دیوار خانه ی فاطمه علیها السلام آتش زدند همه اش سوخت؟ ظاهراً باقیمانده ای داشته که مهاجمین هنگام بردن مولا علی علیه السلام برای بیعت اجباری، فراموش کرده اند آنها را جمع کنند!

چه کسی و در چه زمانی آنها را جمع کرده که اکنون نزد آخرین یادگار زهرا علیها السلام نگهداری می شود؟! آیا نیمه شبی- که اهل سقیفه خواب بوده اند- به دست امیرالمؤمنین یا امام حسن و یا امام حسین و یا حتی زینب و ام کلثوم علیهم السلام و فضا، و یا همه ی اهل خانه جمع آوری شده است؟ آیا هیزماهای نیم سوخته را به مادر در بستر افتاده ی محسن نشان داده اند؟ آیا تماشای پاره های هیزم، خاطره های تلخ سینه و پهلوی فاطمه علیها السلام را بیاد آورده و اشک سرخ بر گونه های زخم آنان جاری ساخته است؟

این امانت در دست امامان علیهم السلام گردیده و هر يك اشکی به یاد مادر ریخته اند، تا حضرت مهدی علیه السلام که بیش از دوازده قرن است هر صبح و شام با دیدن آن اشک خون می ریزد و به مادر وعده ی انتقام می دهد.

امام زمان علیه السلام آندو را با هیزمی می سوزاند که جمع کردند تا علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را آتش بزنند و آن هیزماها نزد ما است که از یکدیگر ارث می بریم! (دلائل الامامة: ص ۲۴۲)



۲۹

یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آمدند تا آمدن پیغمبر آخرالزمان را خبر بدهند. آمدند رحمت للعالمین را، عزیز خداوند را، پیامبر مهربانی ها را... حال خدا خطاب به همان پیغمبر عزیزش میگوید: اگر علی نبود، تو را خلق نمی کردم، و اگر زهرا نبود هیچ یک از شما را خلق نمی کردم!

مسبب خلقت را مخفیانه تشییع می کنند. چهار نفر چهار سوی تابوت را گرفته اند و در تاریکی شب پیش می روند. فرشتگان آسمان ضجه می زنند و اشک می ریزند ولی مردم مدینه در رویاهایشان غوطه ورنند... آن شب، انسانیت، تا قیامت از مزار دردانه خدا محروم ماند. چه سند مظلومیت جاودانه ای! مظلومیت در همان شب تاریک معنا یافت...

عبای زرد بر دوش انداخت و از خانه خارج شد... در بقیع جمع شده بودند و حرف از تشییع دوباره دختر پیغمبر می زدند. می خواستند نبش قبر کنند... «ذره ای از خاک بقیع جا به جا شود، زمین را از خون شما سیراب خواهم کرد» این جمله همان مردی بود که در حالی مکه را فتح کرد که از شمشیرش خون می چکید... همین جمله کافی بود تا همه آنان که از دیدن صورت چهل قبر در بقیع افکار پلید به فکرشان خطور کرده بود، تا ابد پا در بقیع نگذارند... همه نقشه هایشان نقش بر آب شد. تصمیم داشتند با شرکت در تشییع جنازه تاریخ را عوض کنند... اما سند مظلومیت فاطمه تا ابد باقی ماند... به راستی شما که غضب دختر پیامبر نسبت به بزرگان خود را قبول ندارید، خبر از قبرش دارید؟ چطور نمی دانید قبر دختر پیامبرتان کجاست؟



۲۷

نیمه ی شب رسید ، همان لحظه ی سخت دل کندن ...

تابوت بر شانه ی علی نشست، از در نیم سوخته رد شد و روانه ی کوچه ها گشت و آه از آن کوچه ، که تاریکی شب نیز نتوانست سرخی خونش را بپوشاند و اینگونه داغ علی را تازه تر می کرد ...

بمیرم که علی با دست خود ، خشت لحد می چیند....

بمیرم که امت به خطا رفته است و او از محضر رسول شرم دارد...

و ای داد از این افسارگسیختگان ، که این گونه بر مسند بر حق علی چنگ زدند و امت را به بیراهگی خود رهنمون ساختند و صد افسوس که بهای رسیدن به این ناحق ، خون دُر دانه ی رسول را طلب می کرد...

آنگاه که تاج و تخت و دنیا بر فطرت آدمی بتازد ، آنگاه که اصرار ماندن در جهل بر حقایق پرده اندازد...

آنگاه که ریا دسیسه کند؛ عوام فریب و بر دلها شک گذارد و چون خوره بر ایمان مردمان بیافتد...

آنگاه نه عجب که فاطمه، شب هنگام دفن شود و قبرش از نظرها مخفی بماند...



۲

همه خوبها در او جمع شده است، فاطمه علیها السلام را الگو و مقتدای خویش می داند، آنجا که می فرماید:

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله زیباترین الگو برای من است، و به زودی نادان پستی عمل خویش را خواهد دید و کافران در می یابند که پایان کار به نفع چه کسی می باشد  
(بحارالانوار، ج ۵۳، صص ۱۷۹ - ۱۸۰)

### فاطمه لیلة القدر ناشاخته است

امام صادق علیه السلام فرمود: [اینکه خداوند می فرماید:] ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، [مراد از] شب، فاطمه و مراد از قدر، خداوند است. در نتیجه هر کسی فاطمه را آنچنان که باید بشناسد، به حقیقت شب قدر را درک نموده است، و .. و اینکه فاطمه، فاطمه نامیده شده است برای این است که مخلوق از [کنه] معرفت او عاجز است  
(بحار، ج ۴۳، ص ۶۵)

فضائل زهرا علیها السلام آنچنان که باید و شاید قابل درک نبوده و البته قابل انکار نیز نمی باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «الویل، ثم الویل، الویل لمن شک فی فضل فاطمة؛ وای [و عذاب باد،] سپس وای، وای بر کسی که در فضیلت زهرا علیها السلام شک روا دارد.  
(الثاقب فی المناقب، ج ۱، ص ۲۹۷)

### نشانی از بی نشان



مدینه در خواب عمیقی فرو رفته و سکوت مطلق بر کوچه‌هایش حاکم شده است. دری نیم سوخته صدایی می‌کند و کسی از آن بیرون می‌آید. به آرامی کوچه را بررسی می‌کند. هیچ خبری از سر و صدای چند ساعت پیش نیست. همه رفته‌اند. هیچ نوری از هیچ خانه‌ای ساطع نمی‌شود. «هیچ کس در کوچه‌ها نیست» این صدای مرد بررسی کننده کوچه خطاب به اهالی غمگین خانه است... هیچ کس نیست، همه رفته‌اند.

### عبادت فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه فاطمه علیها السلام در محراب عبادتش می ایستاد، نور او برای اهل آسمان می درخشید؛ آنگونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند  
(بحار، ج ۴۳، ص ۱۲)

### فاطمه علیها السلام محدثه بود

امام صادق علیه السلام فرمود فاطمه دختر رسول خدا محدثه بود نه پیامبر. فاطمه را از این جهت محدثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او همانند مریم دختر عمران گفتگو داشتند  
(بحار، ج ۱۴، ص ۲۰۶)

حضرت صادق علیه السلام سخن خود را چنین ادامه می دهند:

شبی حضرت صدیقه علیها السلام به فرشتگان هم صحبت خویش فرمود: آیا آن زن که بر جمیع زنان عالم برتری دارد، مریم دختر عمران نیست؟ جواب دادند: نه؛ زیرا مریم فقط سیده زنان عالم در زمان خودش بود، ولی خدای متعال تو را سیده زنهای عالم خودت، و هم عالم زمان مریم و اولین و آخرین قرار داده است (یعنی تو را بانوی بانوان جهان قرار داد)  
(اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱)

نخواهند شد. و فرمودند: برگردید و ما را با مصیبت خود تنها بگذارید. تفسیر عیاشی ج ۲، ص ۶۷

دوماً: حضرت شک نداشتند که آن‌ها بدون اجازه وارد نخواهند شد، چون نص صریح قرآن می‌گوید:

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید! و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!»  
نور، آیه ۲۷ و ۲۸

و از طرفی در تفاسیر معتبر اهل تسنن ذیل آیه ۳۶ سوره نور آمده است: خانه علی و زهرا علیهما السلام با فضیلت ترین خانه انبیا حساب می‌شود.  
سیوطی، درالمنثور، ج ۶، ص ۲۰۳

سوماً: با توجه به موقعیت حضرت زهرا سلام الله علیها و گریه ایشان در پشت در، تصور این بود که مردم از دختر پیامبر خجالت بکشند و متعرض نشوند. همچنان که عده‌ای برگشتند ولی...

از طرف دیگر اگر هم حضرت زهرا سلام الله علیها پشت در رفته باشند، ایرادی ندارد، چون بارها شده بود که حضرت رسول به همسرانشان می‌فرمودند که در پشت در بروند و در را باز کنند. مثلاً عایشه در را برای امیرالمومنین علی علیه السلام باز کرد (الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۹۲) یا ام سلمه و دیگر همسران پیامبر...

ساعاتی پیش بود که مردم همه در مقابل همین خانه جمع شده بودند. خبر بدی شنیده بودند و آماده بودند تا مطمئن شوند. عده‌ای مطمئن بودند و آماده بودند تا در تشییع یگانه دختر پیغمبرشان شرکت کنند. بعدها همه‌ی آنها می‌خواستند برای بچه‌ها و نوه‌ها و کسانی که در آنجا نبودند تعریف کنند که: در تشییع زهرای مرضیه، یگانه دختر پیغمبر شرکت کرده‌ام. عده‌ای از این افتخاری که نصیبشان شده ذوق زده بودند... همه مردم آنجا احادیث پیامبرشان درباره دخترش را شنیده بودند. همه شنیده بودند که رضایت فاطمه همان رضایت خداست و غضبش، غضب خدا... شنیده بودند که زهرا، سرور زنان بهشتی است... این احادیث را مرور می‌کردند و منتظر تشییع جنازه بودند.

اما در آن سوی دیوارها... در آن سوی در سوخته... مردی در مقابل امانتی که به او سپرده شده بود نشسته و به او می‌نگریست. این امانتی را چگونه تحویل صاحبش بدهد در حالی که... این غم پشت مرد را خم کرده بود... پشت همان مردی که روزی در قلعه خیبر را شکسته بود...

سر و صدای مردم بیرون خانه زیاد شده... علی به وصایای همسرش می‌اندیشد... «بدن مرا شبانه و مخفیانه تشییع کن و مبادا آنان که بر من ظلم کردند را خبر کنی...»

«سلمان! بگو همه بروند، بگو تشییع جنازه به تاخیر افتاده...»

فکرم

## قطره‌ای از دریای فضائل حضرت زهرا (علیها السلام)

امام صادق علیه السلام فرمود: «وهی الصديقة الكبرى وعلى معرفتها دارت القرون الاولى»؛ او صدیقه کبری است که بر محور شناخت او قرنهای گذشته دور زده است. (بخارا الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵)

چگونه می‌توان او را شناخت، در حالی که خدای متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک ولولا علی لما خلقتک ولولا فاطمة لما خلقتکما؛ ای پیامبر! اگر تو نبودی هستی را نمی‌آفریدم، و اگر علی علیه السلام نبود تو را خلق نمی‌کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را به وجود نمی‌آوردیم (بهجة قلب المصطفی، ص ۹)

و پیامبر گرامی اسلام درباره او فرمود:

اگر [خوبیها و] زیباییها به صورت انسانی درآید، او فاطمه خواهد بود، بلکه او برتر [از آن] است؛ براستی که دخترم فاطمه برترین انسان روی زمین از نظر عنصر و ذات، و از نظر شرافت و بزرگواری است (عوالم العلوم ج ۱۱، ص ۲۳۷)

و چگونه می‌توان به فضائل و خوبیهای او پی برد و حال آنکه قطب عالم امکان، مهدی صاحب الزمان؛ آنکه

فکرم

اما در مورد اینکه می‌گویند چرا امیرالمومنین علیه السلام از همسرشان دفاع نکردند، باید بگوییم که اولاً طبق روایات حضرت گردن یکی از مهاجمان را گرفت و او را بر زمین زد، و نزدیک بود او کشته شود، اما فرمود: قسم به خدا اگر مقدرات الهی و عهدی که پیامبر با من بسته است، نبود، می‌دانستی که تو نمی‌توانی به خانه من داخل شوی!

در روایات آمده حضرت رسول صلی الله علیه و آله در لحظات آخر عمرشان امیرالمومنین علیه السلام را صدا می‌کنند و می‌فرمایند: پس چون از دنیا رفتم و از آنچه به تو وصیت کردم فارغ شدم و بدنم را در قبر گذاشتی، در خانه‌ات بنشین و قرآن را آنگونه که دستور داده‌ام، بر اساس واجبات و احکام و ترتیب نزول جمع آوری کن، تو را به بردباری در برابر آنچه که از این گروه به تو و فاطمه زهرا سلام الله علیها خواهد رسید سفارش می‌کنم، صبر کن تا بر من وارد شوی.

پس در نتیجه امیرالمومنین علیه السلام که در قلعه خیبر را از جا گند، باید در برابر حمله به خانه‌اش به خاطر اسلام سکوت کند، و چه کسی جز امیرالمومنین علیه السلام از پس این امتحان بر می‌آید؟

فکرم

## نام زهرا علیها السلام

یونس می‌گوید، امام صادق علیه السلام فرمود:

برای فاطمه نزد خدای بلند مرتبه نه اسم است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا .

آنگاه فرمود: معنی و تفسیر فاطمه را می‌دانی؟ گفتم: آقای من شما بفرمائید . فرمود: فاطمه را از آن جهت فاطمه گویند که از شر بدور است (بخارج ۴۳، ص ۱۰)

همچنین برای وجه تسمیه فاطمه علیها السلام وجوه دیگری نقل شده است که عبارتند از:

فاطمه از اسم خداوند یعنی فاطر گرفته شده است (بخارج ۴۳، ص ۶۵)

چون دوستان و شیعیان او از آتش جهنم در امان اند . (بخارج ۴۳، ص ۱۶)

فکرم

ثانیا: دوراندیش بوده و در همین راستا مکان های حاصلخیز را شناسایی و قلعه هایی در آن جا جهت حفاظت از خود ساختند؛

ثالثا: اهل علم و دانش بودند و تمدن برتری نسبت به اعراب داشتند.

هنگامی که پیامبر خدا سلام الله علیه و اله مبعوث شدند، دیگر آنها افراد بی چیز سابق نبودند، بلکه از موقعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاصی برخوردار بودند؛ لذا پیش خود گفتند که چه نیازی است که ما دین جدید اختیار کنیم بلکه باید برای حفظ استقلال خویش تلاش کنیم. قرآن کریم این رویگردانی آن ها را اینطور حکایت می کند:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ: «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند.» [۳]

حضرت رسول سلام الله علیه و آله پس از استقرار در مدینه، جهت آسودگی خاطر برای در امان ماندن از حملات یهود، با آن ها پیمانی امضا کردند، اما هرکدام از آن طوایف به نوعی با مشرکان و منافقان مدینه علیه اسلام همدستی کردند و پیمان خود را نقض کردند.

فایده

خدایا مردم از او بریده بودند، تو با او پیوند برقرار کن و به ظلم هایش رسیدگی نما؛ تو برایش حکم کن که بهترین حاکمان تویی.

الصلوه... الصلوه... الله اکبر

#### پی نوشت ها:

- [۱]. ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۸
- [۲]. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۶، ح ۱۱۴، کتاب العلم، ب ۳۹، باب کِتَابَةِ الْعِلْمِ.
- [۳]. تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۸۴
- [۴]. انساب الاشراف، ۵۸۶/۱
- [۵]. احزاب/۵۳- نور/۲۷ و ۲۸
- [۶]. احزاب/۶
- [۷]. اسرار آل محمد، سلیم بن قیس، ص ۱۷

فایده

پس از گذشت ده روز از شهادت حضرت رسول، خلیفه وقت مباشر حضرت زهرا سلام الله علیها را از فدک بیرون راند [۷] و درآمد آن جا را که تا ۷۰ هزار دینار نیز گفته اند [۸]، مصادره کرد. او با بهانه اینکه اراضی فدک جزء بیت المال است، آنجا را غصب کرد؛ در صورتی که آن جا مال حضرت زهرا سلام الله علیها بود و هیچ ربطی به بیت المال نداشت.

در چنین فضایی بود که حضرت صدیقه سلام الله علیها تصمیم گرفتند به بهانه پس گرفتن فدک، به مسجد بروند و ضمن ایراد خطبه با خلیفه وقت در حضور جمعیت مناظره کنند.

حضرت قصد داشتند با این کار مسیر حق را از باطل کاملا مشخص کنند و به همگان بفهمانند که چه انحراف عظیمی از شریعت محمدی صلی الله علیه و آله در جامعه به وجود آمده و مردم هارون زمان، خلیفه و برادر رسول الله را ترک گفته، سراغ گوساله سامری رفته اند تا حداقل در آینده کسی نباشد که حق بر او مشتبه شود و مسیر مستقیم را نشانسد.

علامه مصباح در این رابطه میفرماید: «اگر کسی بگوید این خطبه ی حضرت زهرا سلام الله علیها ضامن بقای تشیع شد، سخنی به گزاف نگفته است. این خطبه از نظر فصاحت و بلاغت، اتقان مطالب و شیوه ی استدلال، جدال و مناظره در اوج است و چکیده ای از عقاید مذهب تشیع می-باشد.» [۹]

فایده

پس از مقاومت اهل خانه و عدم بیعتشان با غاصب خلافت، خانه را آتش زدند و به زور وارد خانه ای شدند که خداوند بدون اذن، ورود به آن را حرام کرده بود... [۵]

بگذریم که چه شد... فاطمه را... بگذریم... محسن را... بگذریم... سینه را... بگذریم... پهلو را... بگذریم...

میگذارم و میگذرم، اما نه از روی غفلت که واللہ هرشب آنها را با چاه مرور میکنم... میگذارم و میگذرم که شرم میکنم بگویم با حبیبه ات، با پاره ی تنت و با امانتت چه ها که نکردند...

برادرم! ای فرستاده رب العالمین! بگذار این یکی را ولی بگویم و نگذرم که بغض گلویم را بدجور گرفته...

آن لحظه که نانجیبان مرا به زور برای بیعت میبردند... فاطمه ات یک طرف بود و چهل مرد جنگی یک طرف! و آنها توان برابری با زهرا سلام الله علیها را نداشتند. دخترت اجازه میداد مرا ببرند، اجازه میداد حتی لحظه ای به امامش تعرض کنند؛ که جان امام بر تک تک مومنین از جان خودشان سزاوارتر است. [۶]

اینجا بود که خلیفه دوم ناله سر داد که ای قنفذ! آبرویم رفت! آیا حریف یک زن می شوی؟! و قنفذ آنقدر با ضرب تازیانه ها بر بازوی دردانه ات زد که دیگر تا آخر عمرش، نتوانست آن را حتی ذره ای تکان دهد... نتوانست واللہ که نتوانست و تمامی تضرعاتش به درگاه حضرت حق یک دستی شد... و به سبب همین تازیانه ها بود که نهایتا از دنیا رفت. [۷]

فایده

## تبار انحراف (باسخ به شبهه)

در تاریخ اسلام، بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه وآله اتفاقات ناگواری رخ داد که آثارش همچنان ادامه دارد... این که امروزه عده‌ای به اسم اسلام سر می‌برند و به پیر و جوان و مرد و زن رحم نمی‌کنند، آثار همان وقایع است. ادامه رسالت پیامبر ممکن نبود مگر با ولایت و امامت امیرالمومنین علیه السلام، اما عده‌ای با خودخواهی و قدرت طلبی این برنامه سعادت بشری که خداوند قرار داده بود را زیر پا گذاشتند و خلافت و ولایت را از مسیر اصلی خود منحرف کردند. سند این انحراف هجوم به خانه حضرت زهرا، پاره تن پیامبر صلی الله علیه وآله و به شهادت رساندن حضرت بود. با این که دستگاه خلافت در آن زمان تمام تلاش خود را برای پنهان کردن واقعیت و انکار شهادت ایشان به کار بست، ولی این واقعه به روشنی در کتب تاریخی باقی ماند. حال بعد سال‌ها با اینکه دشمن نمی‌تواند سند این واقعه را زیر سوال ببرد، شبهاتی در این مورد مطرح می‌کند تا تاریخ را کمرنگ کند.

مثلاً مطرح می‌کنند که چرا با وجود امیرالمومنین علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها به پشت در رفتند؟ یا اینکه چرا امیرالمومنین علیه السلام از همسر خود دفاع نکردند؟!

اولاً: آن طور که از روایات شیعه و سنی بر می‌آید حضرت پشت در نشسته بودند و هنگامی که افراد دستگاه خلافت برای بیعت گرفتن آمدند در را بستند و مطمئن بودند که آن‌ها بدون اجازه وارد

## داستان فدک

فدک نام سرزمینی است در شمال مدینه به فاصله ۱۰۰ کیلومتری از آن. این سرزمین در نزدیکی قلعه های خیبر قرار دارد که محل سکونت یکی از طوایف یهود به نام بنی نضیر بود.

یهودیان، قرن‌ها پیش از ظهور اسلام، برای یاری پیامبر آخرالزمان در حجاز ساکن شده بودند زیرا در کتب آسمانی خود دیده بودند که پیامبری از قریش مبعوث می‌شود و شهر یثرب را (که بعدها به مدینه النبی تغییر نام یافت) مرکز حکومت خود قرار خواهد داد. لذا دائماً به مشرکین این مسئله را گوشزد می‌کردند و می‌گفتند که ما با یاری او بر شما مسلط خواهیم شد؛ قرآن این حقیقت را این گونه بیان می‌کند:

وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا: «و پیش از این نوید پیروزی بر کافران می‌دادند.» [۱]

یهودیان اطراف مدینه-که متشکل از سه طایفه بنی نضیر، بنی قینقاع و بنی قریظه بودند- ویژگی های خاصی داشتند. [۲]

اولاً: بسیار مال دوست بوده و فکر اقتصادی قوی داشتند و همین امر سبب پیشرفت های اقتصادی آنها شد؛

ولی ای برادر! به جانم سوگند برای دفاع از زهرا سلام الله علیها اندکی کوتاهی نکردم؛ در همان جا دومی را به زمین کوبیدم و با او اتمام حجت کردم ولی چه کنم که خودت برای حفظ اسلام، مرا به صبر دستور داده بودی و من مجبور بودم آن مصائب را چون استخوانی در گلو و خاری در چشم تحمل کنم.

و اکنون... امشب دخترت به تو پیوست... روح ملکوتیش به عرش اعلی عروج کرد که او از همان ابتدا عرشی بود و با فرشیان تناسبی نداشت.

کودکانم! حسنم! حسینم! زینبم! آرام بگیرید. جان بابا آرامتر. بگریید که رهایی از گریه نتوان یافت ولی به خاطر مادرتان آرام. نکند که آن دو باخبر شوند و وصیت مادرتان، روی زمین بماند و من بمانم و باز هم شرمندگی...

خود را از روی سینه اش بلند کنید که ملائک تاپ دیدن چنین صحنه ای را ندارند...

ای وای بر من که دوباره کفنش نیلگون شد... اسماء کفنی نو بیاور... آه...

فرزندانم بیاید کنار بابا تا با هم دعا کنیم و بعد...

خدایا من از دختر پیامبر تو راضی ام؛

طایفه بنی نضیر هم که در قلعه های خیبر ساکن بودند، پس از جنگ احد، برای قتل پیامبر نقشه کشیدند که پس از آگاهی حضرت، مجبور بودند سرزمین خود را ترک گویند، ولی از طرف منافقان مدینه پیام استقامت دریافت کردند. نهایتاً در جنگ خیبر با دستاورد توانای امیرالمومنین علیه السلام قلعه های خیبر فتح شد؛ چنانچه قرآن حقارت آنها و عزت مومنان را شرح میدهد:

وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونَهُمْ مِّنَ اللَّهِ: «و گمان کردند که دژهای محکمشان آنها را از (عذاب) الهی حفظ می‌نماید.» [۴]

اهل فدک با آگاهی از این جریان، اموال خود را تسلیم پیامبر کردند و از سرزمینشان خارج شدند. خداوند حکم اموالی که بدون هیچ جنگی در اختیار پیامبر قرار می‌گیرد را در آیه ۶ سوره مبارکه حشر اعلام می‌کند و می‌فرماید که این اموال تماماً مخصوص شخص پیامبر است و هیچ ارتباطی به سایر مسلمین ندارد (برخلاف غنایمی که با جنگیدن در اختیار مسلمین قرار می‌گیرد که طبق آیه ۴۱ سوره انفال خمس آن برای پیامبر است).

در روایات آمده که در چنین شرایطی آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ [۵]: «و حق نزدیکان خود را بپرداز» نازل شد و بنا به نقل شیعه و سنی حضرت اراضی فدک را به دخت گرامیشان صدیقه طاهره سلام الله علیها بخشیدند و سرپرستی بر آن گماردند. [۶]

## الگوئی نیکو

سلام الله علیها

آموزه هایی از سیره حضرت زهرا

امام مهدی (عج) در نامه ای به یکی از یارانش نوشته اند: «دختر پیامبر خدا، فاطمه زهرا علیها السلام، برای من سرمشق و الگوی نیکویی است.» (الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۶)

## ایثار و از خود گذشتی در زندگی

شاید بتوان گفت یکی از اصول مهم در زندگی به ویژه زندگی مشترک از خود گذشتی است. در زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها نیز ایثار موج می زند.

در یکی از صبحگاهان امام علی علیه السلام فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام برطرف شود؟ پاسخ داد: نه، به غذایی که پدرم را به نبوت و شمارا به امامت برگزید سوگند که دو روز است در منزل غذایی کافی نداریم، آنچه بود به شما و فرزندانم دادم و خود از غذای اندک موجود استفاده نکردم. امام با تأسف فرمود: فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: ای ابوالحسن! من از پروردگار خود حیا می کنم چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری. (۱)

## حرف دل مولا سلام الله علیه

یا رسول الله! چیزی از پرواز ملکوتیت نگذشته بود. چیزی از انتقال ابواب علمت به من، نگذشته بود. چیزی از اظهار شادی و ناراحتی فاطمه بر بالین تو نگذشته بود. [۱] چیزی از توهین های ناروای دومی به ساحت پاکت-که زبان شرم دارد از بیانش- به هنگام قلم و دوات خواستنت نگذشته بود. [۲]

به راستی ای پسر مادرم! چیزی از غدیر هم نگذشته بود، که مرا در اعلان عمومی، خلیفه بعد از خود کردی. هنوز صدای بخ بخ یا ابن ابیطالب [۳] آن منافق در گوشم طنین انداز است!

اما هنوز غسلت نداده بودیم، هنوز تکفینت نکرده بودیم، هنوز بر جنازه ات نماز نخوانده بودیم که....

که انگار همه چیز را فراموش کردند. انگار تبریک هاشان، همگی تزویر بوده... همگی دروغ بوده... آری! که خود فرمودی منافق جز دروغ نمیگوید...

آه! امان از سقیفه... امان از اجتماع انصار گرد سعد بن عباد... امان از ورود آن سه نفر مهاجر به آن مجلس کذایی... و لعنت خدا بر سقیفه! لعنت خدا بر این همه گستاخیشان که گویی هیچ قول و قراری بین ما و آنها نبود... آری! حساب آنها با خدا خواهد بود که هیچکسی جز او نمیتواند ما به ازای اعمالشان، جزا

فکرة

و اما چهار عمل واجب:

۱. شناخت و معرفت پروردگار (بدانیم که نعمت ها از اوست)
  ۲. راضی به نعمت های خدا بودن
  ۳. گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز غذا
  ۴. سپاسگذاری خدا در پایان (و گفتن الحمد لله رب العالمین)
- و چهار عمل مستحب عبارتند از:
۱. وضو گرفتن قبل از غذا
  ۲. نشستن بجانب چپ
  ۳. در حال نشسته غذا خوردن
  ۴. غذا خوردن با سه انگشت
- و چهار عملی که نشانه ادب است:
۱. از غذای پیش روی برداشتن
  ۲. لقمه را کوچک برداشتن
  ۳. غذا را به خوبی جویدن.
  ۴. کمتر در صورت دیگران نگاه کردن. (۳)

## پرهیز از نامحرم

مردی نابینا پس از اجازه گرفتن وارد منزل امام علی علیه السلام شد. پیامبر صلی الله علیه وآله مشاهده فرمود که حضرت زهرا علیها السلام برخاست، فرمود: دخترم این مرد نابیناست. پاسخ داد:

پدر اگر او مرا نمی بیند من او را می نگریم! اگر چه او نمی بیند اما بوی زن را استشمام می کند!

رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بَصْعَةٌ مِنِّي»: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی. (۴)

## همسر داری حضرت زهرا (سلام الله علیها) و کمال رضایت علی (علیه السلام) از او

پیامبر هنگام عروسی زهرا (سلام الله علیها) به او فرموده بود: «دخترم! با همسرت رفتار نیکو کن، و در هیچ کاری از دستورش سرپیچی نکن. این سخن همواره در سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) مشهود بود، او حدود نُه سال که همسر علی (علیه السلام) بود، هرگز علی (علیه السلام) را ناخشنود نکرد، بلکه همواره مایه نشاط و خشنودی علی (علیه السلام) می شد، و اندوه علی (علیه السلام) با دیدار حضرت زهرا (سلام الله علیها) برطرف می گشت.

فکرة

فکرة

فکرة

تعیین کند، «و هو سریع الحساب».

ای برادر! ای رسول خاتم! هنوز یادم هست که دومی به محض خروج از سقیفه و انتخاب فرزند ابی قحافه به عنوان خلیفه تو-که چه زود بر خدا ورسولش دروغ بستند- در سرش می پروراند که پایه های حکومت رفیق شفیقش، جز با بیعت گرفتن از من، استوار نمی شود... برایم مثل روز روشن بود که او همه ی این کارها را میکرد تا پس از خلیفه اول، خودش از مرکب خلافت بدو شد! بگذریم که درد دل شرحه شرحه من بسیار است....

خلیفه، دومی را جهت گرفتن بیعت با چند ده مرد جنگی، عازم خانه وحی کرد. دومی دائم میگفت اگر بیعت نکنید خانه را با اهلش به آتش خواهم کشید. فاطمه ات این جا بود که با ناله هایش و مخاطب قرار دادن ساحت مقدست، دل هر صاحب دلی را می سوزاند که «یا ابتاه! بعد از تو چه مصیبهایی که از ناحیه فرزند خطاب و فرزند ابی قحافه بر ما وارد نشده است...»؛ آنگاه رو به پسر خطاب کرد و گفت: «به راستی می خواهی خانه ی ما را به آتش بکشی؟»

این جا بود که او جوابی داد که هوش را از سر ملائک پراند: آری! سوگند به خدا که اینکار در راستای اهداف پدرت رسول خداست!!! [۴]

اگر کسی چشم دلش باز بود میدید که با این سخنان سخیف و جسارت آلود، جرئیل، فرشته وحی، ضجه میزند و میکائیل تاب تحمل این همه بی حرمتی را ندارد؛ اما تاره این اول کار بود....

و به قول آقای جوادی آملی: «خطبه ی فدکیه فشرده ی نهج البلاغه و مادر نهج البلاغه است و نهج البلاغه تأثیری از خطبه فدکیه است.»

### پی نوشت ها:

[۱]. بقره(۲)، ۸۹.

[۲]. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۲۴.

[۳]. بقره(۲)، ۱۴۶.

[۴]. حشر(۵۹)، ۲.

[۵]. اسراء(۱۷)، ۲۶.

[۶]. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۳.

[۷]. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۶۳.

[۸]. بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۳.

[۹]. آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، ریاترین دادخواهی و رساترین روشنگری (شرح خطبه فدکیه)، ج ۱، ص ۸۴.



در این راستا، حضرت علی (علیه السلام) میفرماید:

«سوگند به خدا من زهرا (سلام الله علیها) را تا آن هنگام که خداوند او را به سوی خود برد، خشمگین نکردم، او نیز مرا خشمگین نکرد، و هیچ گاه موجب ناخشنودی من نشد... من هرگاه به چهره زهرا (سلام الله علیها) نگاه می کردم، هرگونه غم و اندوه از من برطرف می شد. (۵)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از علی (علیه السلام) پرسید: «زهرا (سلام الله علیها) را چگونه همسری یافتی؟» علی (علیه السلام) در پاسخ عرض کرد: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَي طَاعَةِ اللَّهِ؛ او را در راستای اطاعت خداوند یاور نیکی یافتم. (۶)

### پی نوشت:

۱. محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۶ و ۱۷.

۳. همان، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۶۲.

۵. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.

۶. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

### خوش اخلاقی با دوست و دشمن!

توصیه حضرت زهرا سلام الله علیها نسبت به خوش اخلاقی این است که انسان در برابر همه خوش اخلاق باشد نه تنها دوستان.

خیلی از افراد ادعای دین داری و خداپاوری دارند اما در موقع سختی نه تنها دیگر شکر نعمتهایی که خداوند به آنها داده است را بجا نمی آورند بلکه زبان به شکایت می گشایند و در برخی موارد کلمات ناشایست نسبت به دین و خدا به میان می آورند

پاداش خوش رویی در برابر مؤمن بهشت است و خوش رویی با دشمن و انسان های ستیزه جو، انسان را از عذاب آتش باز می دارد. (۲)

### آداب غذا خوردن

حضرت صدیقه سلام الله علیها می فرمایند:

در سر سفره غذا ۱۲ کار نیک وجود دارد که سزاوار است هر مسلمانی آنها را بشناسد. ۴ مورد واجب و ۴ مورد مستحب و ۴ مورد نشانه ادب و بزرگواری است.

